

عنوان مقاله:

اخلاق و نسبیت اخلاقی

محل انتشار:

فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی، دوره 10، شماره 1 (سال: 1403)

تعداد صفحات اصل مقاله: 10

نویسندگان:

صادق شهرکی - کارشناس ارشد رشته الهیات و معارف اسلامی، گرایش فلسفه و حکمت، دانشگاه سیستان و بلوچستان، ایران

حمید اسکندری - دکترای رشته فلسفه، عضو هیئت علمی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، ایران

خلاصه مقاله:

در اینجا ما به دنبال تبیین اصول اخلاقی و آموزه‌های اخلاقی و رابطه آن با بحث اطلاق و نسبیت اخلاق هستیم و با بررسی اصول اخلاقی کانت و مرحوم عالمه طباطبایی دیدگاه‌های این دو اندیشمند را در ذیل این مساله توضیح می‌دهیم. همانطور که می‌دانید مبحث اخلاق دارای اهمیت فراوانی است و دیدگاه مختلفی در این باره بیان شده و اکنون ما به دنبال این هستیم که بیان کنیم مباحث اخلاقی چه رابطه‌ای با بحث مطلق‌گرایی و نسبی‌گرایی اخلاقی و مبحث ارزش‌شناسی گزاره‌های اخلاقی و کارکرد عقل عملی دارد. در ادامه به صورت مختصر دیدگاه کانت و عالمه طباطبایی را بیان می‌کنیم و با بیان محورهای اشتراک و افتراق این دو اندیشمند، نشان داده می‌شود که بسته به مفهوم‌محاکام اخلاقی، آیا میتوان هر یک از این دو اندیشمند را فائل به مطلق‌گرایی اخلاقی یا نسبیت‌گرایی اخلاقی دانست، زیرا هر دو اندیشمند بر آن هستند که عقل عملی با معیارهای عقلانی خود میتواند خوبی و بدی اعمال را تشخیص دهد. در عین حال چنین به نظر میرسد که این دو اندیشمند عقل را به منزله منبع اصلی شناخت احکام ارزشی میدانند که باعث شناخت امور اخلاقی میشود. در اینجا باید گفت دیدگاه کانت بر اساس مطلق‌گرایی پایه‌گذاری شده و همچنین وی امر مطلق را به عنوان یگانه اصل اخلاقی می‌داند. در صورتی که در دیدگاه مرحوم عالمه طباطبایی چنین به نظر می‌رسد که وی اخلاقی را به صورت نسبی می‌داند که از مقوله اعتبار است و تاکید می‌کند افراد بر اساس مقصد و هدف خود، یک امر را خوب و یک امر را بد می‌دانند. در پایان به کاستیها و انتقاداتی که به این دو دیدگاه وارد شده است می‌پردازیم و نتایج حاصل شده از بررسی این دو دیدگاه، کانت و مرحوم عالمه طباطبایی در بحث اخلاقی را نشان می‌دهیم.

کلمات کلیدی:

اطلاق، نسبیت، اخلاق، کانت، علامه طباطبایی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1981841>

